

مشارکت در تاب‌آوری اجتماعی محلات شهری (مطالعه موردی: محله اوین شهر تهران)

منصوره سادات مظلوم

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

آزیتا رجبی^۱

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ناصر اقبالی

دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۱ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

چکیده

طی دهه‌های اخیر مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها زمینه‌های تحولات و دگرگونی در ابعاد مختلف ساختار فضایی محلات شهری را فراهم آورده است. این امر از بعد اجتماعی منجر به شکل‌گیری محلاتی با تنوعات گروهی، قومی، فرهنگی شده و در نهایت تاب‌آوری اجتماعی محلی یکپارچه را با مشکل مواجه ساخته است. مسئله تحقیق حاضر، تحلیل چگونگی تاب‌آوری اجتماعی در محلاتی است که دارای سابقه وحدت اجتماعی زیادی داشته و به واسطه گذشته مشترک خود می‌توانند نمونه خوبی برای تدوین الگوی مناسب تاب‌آوری اجتماعی در سطح محلات شهری باشند که توجه جدی به نیازهای مادی و معنوی و کرامت انسانی افراد از مهم‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. لذا مشارکت مردم محله مدیریت مردم محور، تکوین و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و ترغیب آن‌ها در جهت پایداری از اهداف اصلی آن می‌باشد. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر ماهیت کیفی است. در این راستا به منظور ارائه تصویری روشن از مشارکت‌های اجتماعی در محلات از روش تئوری بنیادین استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش مشارکت را می‌توان در سه بعد (پیوستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی) طبقه‌بندی کرد. ماهیت تحقیق حاضر با توجه به دو بعد کمی و کیفی از نوع آمیخته بوده و بدین لحاظ از دو مسیر آمار پارامتریک و ناپارامتریک از دو روش برای آمار پارامتریک با استفاده از داده‌های SPSS برای آمار ناپارامتریک از روش کدگذاری MAXQDA استفاده شده و نهایتاً در نرم‌افزار SMART PLS داده‌های پردازش گردیده است.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری اجتماعی، مشارکت، تهران، محله اوین.

مقدمه

پایداری محله‌ای در قالب فرایندی مشارکتی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و کالبدی - نهادی از چندین دهه‌ی گذشته، در کشورهای توسعه یافته، به عنوان محور برنامه‌ای توسعه پایدار شهری و مناطق کلان‌شهری، مورد تأکید قرار گرفته است. لذا مفاهیمی چون مشارکت جمعی افزایش عدالت و انسجام اجتماعی، دلبستگی به محیط محله، ایجاد فرصت‌های برابر همراه با کارآیی بیشتر، ارزش مسکن و نیز رفاه و بهداشت مردم (نه صرفاً آبادی مکان) تنها در سایه مفهوم توسعه‌ی محله و برنامه‌ریزی محلات شهری عینیت می‌یابند. کلان‌شهر تهران با تنگناهای متعددی در خصوص مدیریت بهینه سازمان فضایی شهر رو به روست و رویکرد کنونی در مدیریت کلان و متمرکز آن، به دلیل عدم اتکاء به سازوکارهای محلی، مشارکت مردم و نظام‌های پایدار اکولوژیک محلی، به توسعه‌ی پایدار شهری منتهی نشده است. لذا پایداری در محلات شهری، به عنوان نقطه‌ی آغازین مدیریت پایدار تهران شناخته شده است. آن چه در رویکرد پایداری محله‌ای هدف غایی به شمار می‌رود، مردم و تأمین نیازهای اولیه و اساسی آنان، با توجه به محیط زندگی آن‌هاست. ضریب بالای همبستگی و هم‌افزایی درونی در محلات قدیمی به ویژه با پایگاه مشترک روستایی می‌تواند به عنوان الگویی از وحدت و مشارکت جامعه اساس توسعه محلات بوده و در مسیر ایجاد مشارکت درونی و فردی بالا به تحقق تاب‌آوری مطلوب در شرایط بحرانی محلات منجر شود. شهرها به مثابه موجودات زنده همواره در سیر تکاملی خود، یک سیکل حیات فیزیکی را پشت سر می‌گذارند، بدین صورت که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و کمیت‌شان افزایش می‌یابد، بزرگ شده و تغییر نقش می‌دهند، پیر شده و دچار فرسودگی می‌شوند در دهه‌های اخیر رشد بی‌رویه و شتابان شهرها، مشکلات زیادی را دامن زده است. بدین گونه که این مشکلات و نارسایی‌ها تمامی جنبه‌های شهرنشینی را تحت تأثیر خود قرار داده و گاهی زندگی شهری را مختل کرده است. یکی از مشکلات عمده شهرهای بروز بحران‌های اقتصادی - اجتماعی، کالبدی - فیزیکی، زیست محیطی و امنیتی می‌باشد که زمینه ناپایداری را در زمان بروز بحران‌ها و پس از آن فراهم می‌سازند و نیاز به بازگشت محلات به شرایط قبل از بحران اساس مطالعات تاب‌آوری شهری تلقی می‌شود از این رو در مقاله حاضر با تکیه بر تجربیات موفق در عرصه مشارکت‌های خود انگیخته در محلاتی با سابقه تاریخی و پایگاه‌های مشترک اجتماعی مثل محله اوین به تبیین الگویی برای مشارکت و افزایش تاب‌آوری اقدام می‌شود و در این راستا از نظرات خبرگان در قالب روش کدگذاری MAXQDA و مدل‌سازی بر مبنای آن به تبیین الگو پرداخته می‌شود ایده اصلی این پژوهش آن است تا به بررسی محله اوین پرداخته و زمینه مشارکت مردمی را در آن بررسی شده و معیارهای لازم را برای افزایش مشارکت مردم به دست آید. سؤالات پژوهش به شرح زیر است:

- ۱- بین مشارکت اجتماعی و پایداری اجتماعی محلات چگونه رابطه‌ای وجود دارد؟
 - ۲- بین امنیت شهروندان و پایداری اجتماعی محلات چگونه رابطه‌ای وجود دارد؟
 - ۳- تحلیل کیفی نقش مشارکت‌های جامعه محور در تاب‌آوری اجتماعی در محله اوین شهر تهران چگونه است؟
- در این پژوهش با توجه به هدف از نوع تحقیق و توسعه R&D با توجه به ماهیت موضوع تحقیق، آمیخته به معنی کمی - کیفی است از نظر متدولوژی روش‌های توصیفی (از نوع توصیفی - تحلیلی) - موردی - موضوعی به صورت ترکیبی استفاده شده است به طور کلی روش تحقیق حاضر، ترکیبی از روش‌های تحلیلی و علی است، از نظر روش علی و کمی با رویکرد تجربی مبتنی بر بستر روش تحقیق بنیادی - توصیفی و استفاده از رویکردهای تحلیلی، توصیفی، استنباطی انجام می‌شود و برای شناخت مناطق مسئله‌دار با استفاده از نرم‌افزار GIS لایه‌های مرتبط با این موضوع تهیه شده است. هدف محقق از انجام

تحقیق توصیفی، توصیف عینی، واقعی و منظم، خصوصیات یک موقعیت یا یک موضوع است. در تحقیق حاضر از نظر متخصصین و مطلعین و خبرگان در جامعه آماری مطروحه استفاده شده است که بر مبنای آن تحلیل‌های توصیفی انجام گرفته است. برای انجام تحقیق و پاسخ به سؤالات تحقیق، با استفاده از تکنیک دلفی (تکنیک اخذ آرای متخصصین) و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه عمیق با مدیران و صاحب‌نظران و کارشناسان و مسئولین مرتبط با موضوع بافت‌های قدیمی شهری، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری کیفی استفاده از نرم‌افزار MAXQDA کدگذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و سؤالات پرسشنامه‌ای نیز در دو گروه استاندارد شده و محقق ساخت تدوین گردیده است. همچنین از روش پرسشنامه برای نظر سنجی کمی از ساکنان محله اوین به صورت خوشه‌ای استفاده شده که با نرم‌افزار SPSS پرسشنامه تهیه شده تحلیل‌های انجام گرفته است.

رویکرد نظری

تاب‌آوری اجتماعی را می‌توان ظرفیت تبدیل و تحول، تطبیق و سازگاری و توان مقابله با تنش و بحران‌های اجتماعی نامید. تاب‌آوری اجتماعی از ظرفیت و توانایی خاصی در افراد و گروه‌ها، خانواده و جوامع صحبت می‌کند که عمدتاً یادگیری و سازگاری در تغییرات تحمیل شده و همچنین قدرت تطبیق با شرایط و مقتضیات را در بر خواهد داشت؛ این به ساده‌ترین معنا برخورداری از آغازی همیشگی است. احیای مهربانی، توسعه سازگاری، قدرت مبتنی بر انعطاف، سرمایه و سازندگی اجتماعی را تقویت می‌کند و هم‌زمان موجب و دستاورد تاب‌آوری است. زمانی که جامعه‌ای با نیازهای تازه، خطرات و یا تهدیدات مواجه می‌شود دچار درهم شکستگی و بحران خواهد شد. از این رو بسیاری از متون بازگشت سریع به شرایط قبل از بحران را تاب‌آوری نامیده‌اند؛ و بر این اساس مطالعات تاب‌آوری مأموریت اصلی خود را برگشت‌پذیری در سریع‌ترین زمان ممکن و با حداقل آشفتگی و حفظ شایستگی می‌داند. توسعه تاب‌آوری باعث می‌شود که امداد و حمایت‌های اجتماعی به هنگام و هماهنگ، فراگیر و جامع در حد بهینه اعمال گردد (ادگر، ۲۰۰۰: ۱۴۲). از نظر ادگر تاب‌آوری اجتماعی سبب نوآوری در فن‌آوری و سایر موارد، رشد اقتصادی پایدار، تاب‌آوری کالبدی، کاهش نرخ جرم و جنایت و رشد اقتصادی پایدار که با توزیع عادلانه‌تری در میان مردم ارتباط مستقیم دارد، می‌گردد (ادگر، ۲۰۰۰: ۱). در جایی که جنایت، بی‌خانمانی، بیکاری و بحث‌های مربوط به تغذیه نامناسب و آموزش ناکافی خیلی نمایان است دیگر نمی‌توان برای مسائل پیشگیری از بلایا اهمیت زیادی قائل شد (کاتر و همکاران، ۲۰۰۸: ۷) لذا توجه به جنبه اجتماعی تاب‌آوری بسیار حائز اهمیت است.

مشارکت از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظور خاص می‌باشد. به عبارت دیگر "مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروه یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (مروتی، ۱۹۹: ۱۳۹۰). در تعریفی دیگر، از شری آدرنشتاین، مشارکت را فرایند سهیم شدن مردم در قدرت جهت تأثیرگذاری بر رفتار دولت می‌داند. از نظر وی مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد (حسینی، ۱۳۸۷: ۹۷). در تعریفی دیگر مشارکت به معنای به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (بهتاش، ۱۳۹۱: ۲۴). مشارکت را در مفهوم گسترده، به معنای گسترش حساسیت مردم و در واقع به معنای افزایش درک و توان آنان در پاسخ‌گویی به طرح‌های توسعه و نیز به مفهوم تشویق ابتکارات محلی تعریف کرده‌اند (ادیب زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۵). مشارکت مردمی فعالیت ارادی و داوطلبانه‌ای که از طریق آن، اعضای یک جامعه در

امور مشارکت مردمی محوله محیط مسکونی خود شرکت می‌کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند. مشارکت به عنوان مجموعه روش‌ها و فرآیندها، نگرش‌ها و فعالیت‌هایی گفته می‌شود که منجر به افزایش توانایی‌های مردم شده و در کنترل عوامل تأثیرگذار بر محیط زندگی آن‌ها را یاری می‌کند (اسمعیل پور، ۱۳۹۰: ۲۷).

سطوح مختلف مشارکت مردمی

اولاً مشارکت مردمی در هر پروژه‌های را می‌توان در هفت سطح طبقه‌بندی نمود. این هفت سطح می‌تواند از شکل بسیار سطحی و ظاهری آن یعنی فریب تا بالاترین سطح آن یعنی خودانگیختگی باشد.

۱- خودانگیختگی: مردم خود مبتکر پروژه‌ها بوده، جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند اما مردم، کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می‌نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیردولتی چنین پروژه‌هایی می‌توانند به اجرای کامل برسند.

۲- مشارکت تأملی: مبتکر پروژه یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می‌نماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی نشده، تنها وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف پروژه نمی‌باشد. مردم در تحلیل مسائل، تدوین برنامه‌های اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند و تأثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع دارند.

۳- مشارکت عملکردی: مشارکت از سوی نهاد خارجی با عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، به ویژه کاهش هزینه‌ها از طریق ارائه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از اینکه تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شده و اهداف پروژه مشخص می‌شوند، جهت تحقق اهداف تعیین شده، مشارکت می‌کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکت، مردم در جذب اهداف مورد نیاز نهاد خارجی، از اهداف خود دست می‌کشند.

۴- مشارکت به دلیل انگیزه‌های مالی: مردم تنها به واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی مشارکت می‌نمایند (مثلاً در مقابل عرضه کار، پول و یا غذا دریافت نمایند و یا مثلاً در پروژه‌های خودیاری به شرط عرضه نیروی کار و ایجاد ساختمان، زمین و خدمات دریافت می‌کنند).

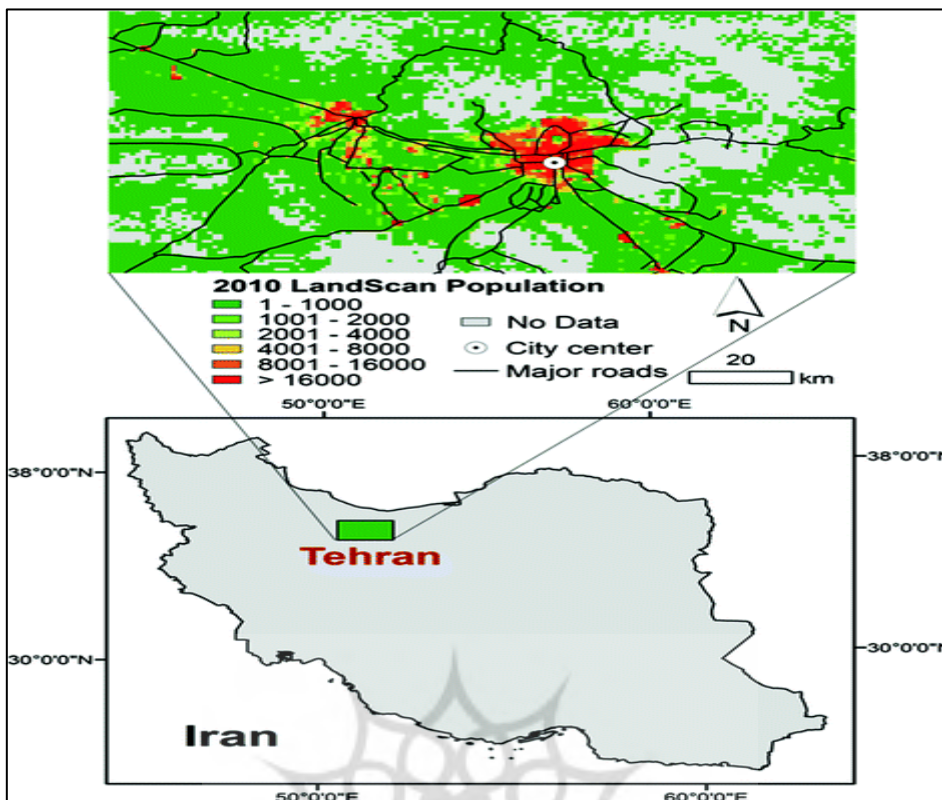
۵ - اطلاعات دهی و مشورت کردن: نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویت‌های مردم گرفته می‌شود اما، میزان جمع‌آوری اطلاعات و کنترل تحلیل‌ها، به وسیله نهاد خارجی و از طریق تشخیص مسئله و راه‌حل‌های مورد نظر معین می‌شود. هیچ قدرت تصمیم‌گیری به مردم داده نشده، بعلاوه مجریان پروژه هیچ تهدیدی نسبت به تحقق اولویت‌های مردم به عهده نمی‌سپارد.

۶- مشارکت انفعالی: به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد، بدون اینکه نظرات آن‌ها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند.

۷ - مشارکت خدعه آمیز و صوری: منظور تظاهر به مشارکت به جای جلب مشارکت واقعی است که انجام می‌پذیرد. به عنوان مثال، نمایندگانی در هیئت‌های رسمی گماشته شده باشند، بدون اینکه این افراد انتخاب شده یا قدرتی داشته باشند (مروتی، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۲۰۲).

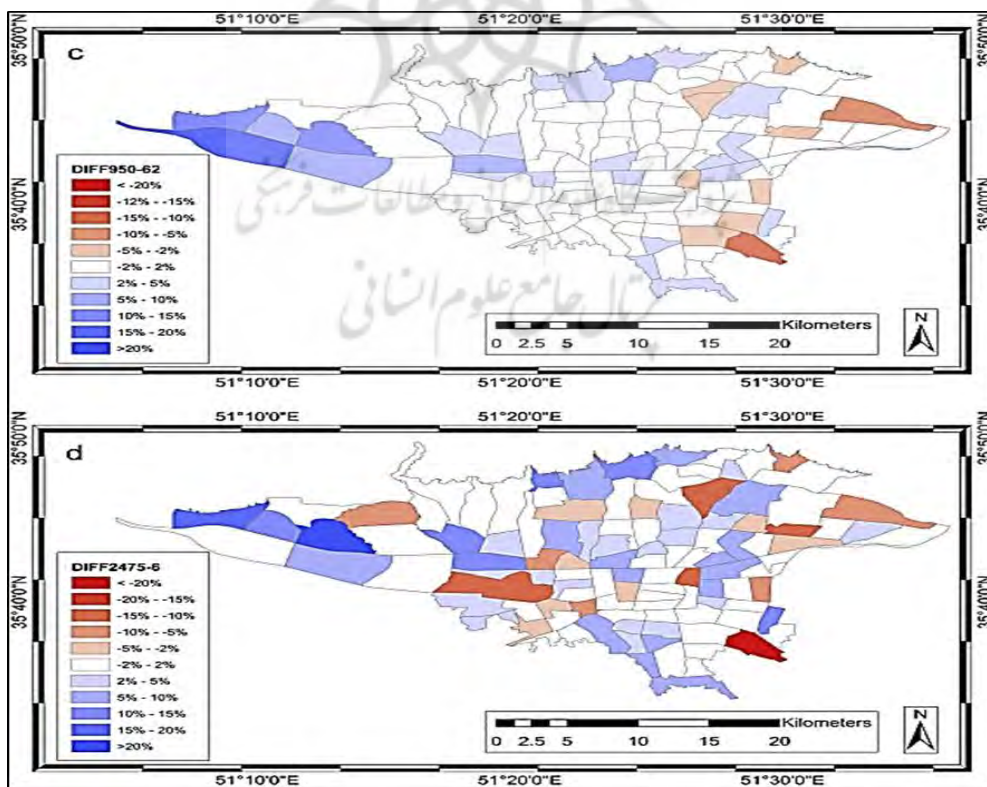
قلمروی تحقیق

منطقه یک شهرداری تهران با در نظر گرفتن مرز شمالی مصوب شورای شهر دارای مساحتی معادل ۴۵۷۳،۳۲ هکتار است. اما در واقعیت امر، ساخت و سازهای صورت گرفته در این منطقه منطبق با محدوده ۲۵ ساله شهر تهران است که بر این اساس این منطقه مساحتی حدود ۴۸۱۶ هکتار را دارا می‌باشد.



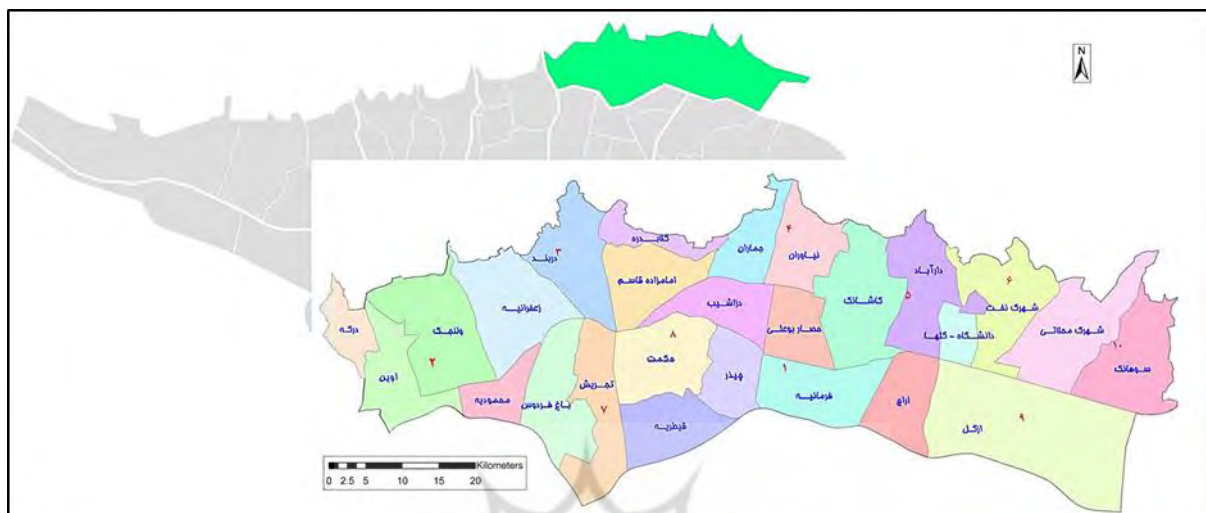
نقشه ۱: موقعیت شهر تهران منبع: (<https://link.springer.com>)

در حال حاضر مرز قانونی و ابلاغ شده منطقه از شمال مزر شمالی مصوب شورای شهر، از جنوب بزرگراههای مدرس، صدر و چمران و بابایی، از شرق جاده لشگرک و پارک جنگلی قوچک و از غرب رودخانه درکه می باشد.



نقشه ۲: نقشه مناطق شهر تهران منبع: (<https://www.sciencedirect.com>)

محل اوین در منطقه ۱ شهرداری تهران یکی از مناطق شهری تهران است که در شمال شرقی شهر تهران واقع شده است. این منطقه از شمال به رشته کوه البرز، از غرب به رودخانه درکه، از جنوب به بزرگراه‌های شهید چمران و آیت‌الله صدر و از شرق به جاده لشکرک و پارک جنگلی قوچک محدود می‌شود. جمعیت منطقه یک بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ ایران، ۴۸۷،۵۰۸ نفر (۱۶۶،۸۸۱ خانوار) شامل ۲۳۸،۶۹۳ مرد و ۲۴۸،۸۱۵ زن می‌باشد و جمعیت محل اوین ۷۴۲۵ نفر می‌باشد.



نقشه ۳: مرز محل اوین با محله‌های دیگر در منطقه یک شهر تهران منبع: (<https://www.sciencedirect.com>)

جمعیت پیش بینی شده برای منطقه یک در افق طرح (سال ۱۴۰۰) بر اساس رشد پیشنهادی مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران در حدود ۴۱۳۰۰۰ نفر می‌باشد که دستیابی به آن مستلزم به کارگیری سیاستهای سختگیرانه و قاطع در مقابله با ساخت و سازهای بیرویه در منطقه و جلوگیری از مهاجرپذیری آن است. مطالعات جمعیتی طرح تفصیلی منطقه یک تهران دو هدف عمده را دنبال کرده است، اول آن که جمعیت مورد انتظار سال ۱۴۰۰ در گزینه های مختلف در محلات منطقه چگونه توزیع خواهند شد و دوم آن که با توجه به جمعیت پیش بینی شده و اطلاعات موجود، پهنه های با غلبه عملکرد سکونتی در چه محلاتی از منطقه واقع خواهند شد. به این منظور از سه منبع اطلاعاتی: مرکز آمار ایران، شهرداری منطقه و برداشتهای میدانی خود مشاور استفاده شده است. محور تراکم منطقه به لحاظ جمعیت محلات اطراف خیابان ولیعصر است و با افزایش فاصله از آن از شدت تراکم کاسته می‌شود.

اطلاعات نشان داد که بیشترین پروانه های مسکونی صادره طی سالهای ۹۷-۱۳۹۵ در چهار محله، فرمانیه، ولنجک، نیاوران و پل رومی بوده است به طوری که یک سوم پروانه های صادره منطقه را شامل می‌شود. نگاهی به موقعیت این محلات در منطقه نشان میدهد که صدور پروانه ها از محلات پرتراکم فاصله گرفته و به سوی محلات با تراکم متوسط نزدیک شده است. ادامه این روند در مناطق کم تراکم اگرچه مثبت است، ولی دیر یا زود محلات با تراکم متوسط آن در زمره محلات پرتراکم قرار خواهد داد؛ که با الزامات طرح تفصیلی مبنی بر تثبیت جمعیت مغایرت دارد. جمع آوری اطلاعات این مشاور در برداشتهای میدانی در سال ۱۳۹۷ نشان داد که تعداد واحدهای مسکونی منطقه حدود ۱۲۸ هزار واحد بوده است که حدود ۱۲٪ آنها خالی از سکنه بوده است. با افزایش سکونت هر خانوار در یک واحد مسکونی، جمعیت آن در میان سالهای ۱۳۹۷ حدود ۳۸۰ هزار نفر بوده است. این اطلاعات نشان داد که منطقه مورد مطالعه همچنان مهاجرپذیر است.

محل اوین در طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۰ دقیقه و در ۴ کیلومتری غرب تجریش واقع شده است، ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۶۵۴ متر می‌باشد. در گذشته این روستا از شمال به قسمتی از ارتفاعات توجال، در شمال غربی به دره درکه، از جنوب به قلعه ارامنه و ونک، از شرق اول به اراضی ولنجک و دوم به اراضی محمودیه و

سوم به خیابان ولیعصر و از غرب به رودخانه اوین - درکه بود. اکنون این روستا به عنوان یک محله شهری در محدوده اراضی منطقه یک، از شمال به جاده درکه و دانشگاه و از جنوب به بزرگراه شهید چمران و هتل اوین و از شرق به نمایشگاه بین‌المللی و از غرب به رودخانه درکه محدود است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها در نظریه بنیانی طی فرآیندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها، به مضامین اولیه داده‌ها، صورت می‌گیرد. در فرآیند سه مرحله‌ای و غیر طی کدگذاری عنوان‌هایی داده می‌شود و سپس، از دل آن‌ها مفاهیم و مقولات استخراج می‌شوند و از این رهگذر، خوشه‌هایی مفهومی تشکیل می‌شوند که هر یک به مقولاتی تعلق دارند و سرانجام از ارتباط این مقولات است که شالوده‌ای سامان می‌یابد و نظریه‌ای برای توضیح یک پدیده خلق می‌شود. در اینجا این مراحل به ترتیب اجرا می‌شوند. ابتدا در جدول شماره یک به مفهوم‌پردازی و شکل‌دهی به متن مصاحبه با ساکنان و مسئولان و متخصصان حوزه شهری پرداخته شده است. سپس اثرات مثبت و منفی آن‌ها بر بافت فرسوده محله مشخص گردیده است.

جدول ۱: مفهوم‌پردازی و شکل‌دهی به متن مصاحبه‌های انجام شده در محله اوین

عبارت توصیف کننده	فراوانی	درصد	عامل	اثر
همکاری با نهادها و سازمان‌ها	۲۳	۶۵	مشارکت اجتماعی	مثبت
همکاری و مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفع محله	۲۱	۶۰		مثبت
افزایش تورم و تأثیر آن بر معیشت مردم محله	۱۸	۵۲	امنیت محله	منفی
شرکت در کارهای گروهی محله	۱۹	۵۴		مثبت
عوامل تهدید کننده امنیت و ایمنی در محله	۲۷	۷۸	امنیت عابر پیاده در معابر	منفی
امنیت عابر پیاده در معابر	۱۳	۳۷		مثبت
ترافیک	۲۹	۶۳	امنیت عابر پیاده در معابر	منفی
دزدی یا سرقت مسلحانه	۱۵	۴۸		منفی
دیوار نوشته‌ها	۱۴	۴۶	امنیت عابر پیاده در معابر	منفی
واحدهای خالی از سکنه	۲۳	۷۶		منفی
رفت‌وآمد افراد شرور و بزهکار	۱۸	۴۳	دسترسی به فضاهای آموزشی	منفی
دسترسی به فضاهای آموزشی	۹	۳۰		مثبت
دسترسی آسان به محل کار	۲۵	۶۰	کیفیت زندگی	مثبت
وضعیت بد شبکه دفع فاضلاب‌های محله	۲۲	۷۳		منفی
کمبود امکانات فرهنگی محله	۲۴	۸۰	کیفیت زندگی	منفی
داشتن خودرو و پارک در کوچه	۱۳	۴۳		منفی
کیفیت بد مصالح بکار رفته در ساختمان‌های محله	۲۷	۵۳	کیفیت زندگی	منفی
میزان درآمد کم افراد شاغل در محله	۱۷	۵۶		منفی

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

کدگذاری محوری

نتایج مفهوم‌پردازی و شکل‌دهی به متن مصاحبه‌های صورت گرفته با جامعه مطالعه شده درباره نقش مشارکت پس از تحلیل در جدول (۱) نشان داده شده است. نقش مشارکت را در قالب سه موضوع محوری می‌توان دسته بندی کرد. نخست پیوستگی اجتماعی با ۴ زیر مفهوم که در این بین عوامل همکاری و مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه محله اهمیت بیشتری دارد. امنیت اجتماعی دارای ۶ زیر مفهوم می‌باشد در بین رفت‌وآمد افراد شرور و بزهکار در محله عوامل تهدید کننده امنیت و ایمنی در محله با فراوانی ۷۸ و ۷۶ بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش کیفیت زندگی هفت زیر مفهوم دارد که در این میان کمبود امکانات فرهنگی محله و وضعیت نابسامان شبکه دفع فاضلاب‌ها با ۸۰ و ۷۲ درصد بیشترین فراوانی و تکرار را نشان می‌دهد.

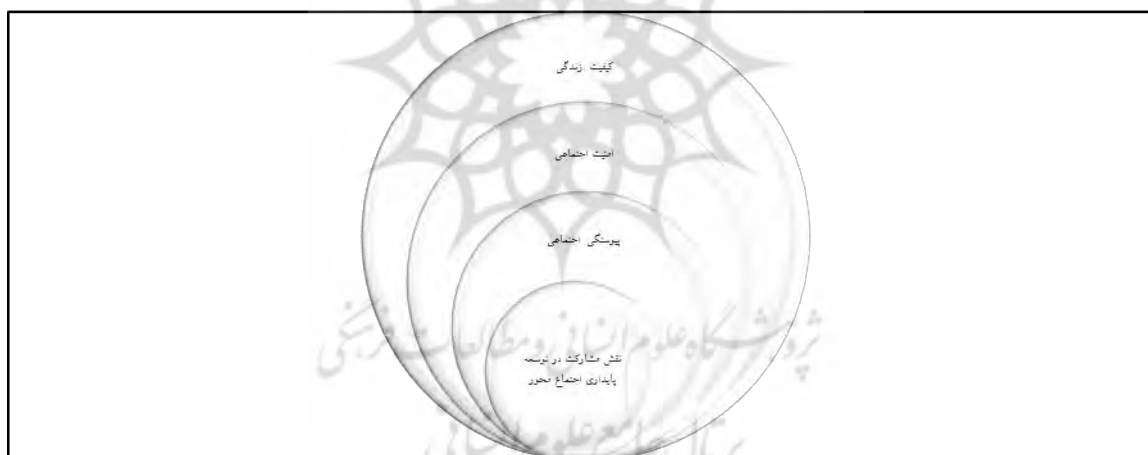
مرحله کدگذاری انتخابی

پژوهشگر، داده‌های کدگذاری شده را با یکدیگر مقایسه می‌کند و به صورت خوشه‌هایی که باهم تناسب دارند، درمی‌آورد و

کدهای مشابه را در یک طبقه قرار می‌دهد (حاج باقری، ۱۳۸۶: ۱۰۶). در این مرحله پژوهشگر، کدها و دسته‌های اولیه‌ای را که در کدگذاری باز ایجاد کرده بود با موارد مشابه ادغام کرد و ارتباط بین رده طبقه‌ها را مشخص ساخت و طبقاتی با مفاهیم جدید تشکیل داد.

کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی عبارت است از تلفیق و توأم کردن طبقات به وجود آمده برای شکل‌گیری اولیه چارچوب تحقیق در این مرحله جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده‌اند، دوباره باهم ترکیب می‌شوند تا رابطه میان آن‌ها درک شود. (فرانسیس، ۲۰۰۸ به نقل از پاپ زن، ۱۳۸۹: ۱۵۰). در این مرحله جمله‌هایی که قبلاً کدگذاری شده بودند دوباره باهم ترکیب شدند تا مقوله‌ای که قادر است سایر طبقات و یا مفاهیم را با یکدیگر ارتباط دهد، شناسایی شود و چارچوب مفهومی پژوهش شکل گیرد. فعالیت عمده و اصلی این مرحله از تحلیل، ایجاد خط سیر داستانی است که همه طبقات را شامل می‌شود. آنچه در این مرحله اتفاق می‌افتد در واقع تحلیل کل نگرانه بر فرآیندهایی است که در طول تحقیق رخ داده است و پژوهشگر بر اساس تمامی داده‌هایی که در اختیار دارد و برداشتی که خود در مسیر پر پیچ و خم پژوهش اندوخته، طی سیر داستان را دنبال می‌کند. داستان، به طور ساده توصیف خاصی است درباره پدیده‌های اصلی که مطالبه می‌شود و خط سیر داستانی، مفهوم‌سازی چنین داستانی است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۹). در ادامه مدل اولیه پژوهش که بخش عمده آن شامل نظر خبرگان برنامه‌ریزی شهری و نخبگان است و ترسیم در مرحله بعد با پیوند طبقات و مقوله‌های حاصل از بحث با کارشناسان و تلفیق آن با مدل نظری اولیه، مدل مفهومی تحقیق استخراج شد که با ادغام نظر کارشناسان، زمینه افزایش اعتبار مدل فراهم شد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع محور

تجزیه و تحلیل داده‌ها

مفاهیم و عامل‌های استخراج شده در قالب پرسشنامه در اختیار افراد کلیدی و مسئولان قرار گرفت. ابتدا از آزمون آنالیز واریانس برای مشخص کردن وجود تفاوت‌ها بین چهار عامل و سپس آزمون توکی برای مشخص کردن میزان تأثیر هر یک از عوامل استفاده شده است. نتایج آزمون آنالیز واریانس برای تعیین تفاوت سطح معناداری بین ابعاد سه گانه در نقش مشارکت از دیدگاه دو گروه پاسخ دهنده، بیانگر این مطلب است که مقادیر با سطح معناداری و اطمینان ۹۵ درصد، نتایج در هر دو گروه معنادار بوده است. عبارت دیگر از دیدگاه هر دو گروه پاسخ دهنده بین ابعاد سه گانه نقش مشارکت در بافت فرسوده (پیوستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی) تفاوت وجود دارد؛ و هر سه بعد بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع محور (بافت فرسوده محله اوین) تأثیر دارند.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای تعیین تفاوت معناداری بین ابعاد سه گانه مشارکت

سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مستول	بین گروه
		۱۷,۴۲۳	۳	۴۸,۶۸۷	مستول	بین گروه
۰,۰۰۹	۱۵,۶۵۷	۱,۲۹۰	۱۱۶۸	۱۱۴۹,۶۵۰	مجموع	درون گروه
			۱۱۷۱	۱,۱۹۸,۳۳۷	مجموع	
			۳۹۲,۷۶۵	۲۸۷,۱۲۶	ذینفعان	بین گروهی
۰,۰۰۱	۲۱,۵۱۶	۴,۲۴۳	۱۱۸۶	۵۶۴۸,۶۷۵	مجموع	درون گروه
			۱۵۷۸,۷۶۵	۵۹۳۵,۸۰۱	مجموع	

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

بنابراین از دیدگاه مسئولان و ذینفعان بین ابعاد سه گانه شناسایی شده (پیوستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی) تفاوت وجود دارد؛ و هریک از این عوامل، اثرگذاری متفاوتی بر روی شکل‌گیری و تأثیر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع‌محور دارند. همچنین در درون گروه‌ها تیزبین پاسخ گروه‌ها با یکدیگر در زمینه اثرگذاری هر یک از موانع (پیوستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی) در بافت فرسوده محله تفاوت وجود دارد؛ بنابراین تفاوت معناداری بین عوامل سه گانه بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع‌محور محله وجود داشته است. بر اساس نتایج به دست آمده، از گروه ذینفعان (شامل: افراد ساکن محله، مدیریت شهری و شهرداری)، برای مشخص کردن میزان تفاوت‌ها در تأثیرگذاری هریک از عوامل بر نقش مشارکت سه گروه همگن شکل گرفته است که در گروه اول، عامل پیوستگی اجتماعی با میانگین ۲,۳۲۱۴، گروه دوم عامل امنیت اجتماعی با میانگین ۳,۳۴۲۱ و عامل کیفیت زندگی با میانگین ۳,۷۸۰۶؛ در گروه سوم عامل کیفیت زندگی از تأثیر بالایی در نقش مشارکت بر بافت فرسوده محله برخوردار است.

از بین سه عامل بررسی شده و با توجه به میانگین‌های به دست آمده، از نظر ذینفعان تأثیر عامل پیوستگی اجتماعی بیشتر از سایر عوامل است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده از گروه مسئولان و متخصصان برای مشخص کردن میزان تفاوت‌ها در تأثیرگذاری هریک از عوامل بر بافت فرسوده محله، دو گروه همگن شکل گرفته است؛ که در گروه اول عامل پیوستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی با میانگین ۲,۶۷۴۵ و ۳,۴۱۴۵؛ در گروه دوم عامل امنیت اجتماعی و کیفیت زندگی با میانگین ۲,۴۱۴۵ و ۳,۶۷۳۳ تشکیل شده است. عامل کیفیت زندگی با بالاتری نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع‌محور محله را از دید متخصصان و مسئولان روشن می‌نماید.

جدول ۳: میزان تفاوت‌ها میان ابعاد سه گانه بر نقش مشارکت از دیدگاه ذینفعان

Subset for alpha =0.05				ذینفعان
عوامل	تعداد	گروه همگن اول	گروه همگن دوم	گروه همگن سوم
پیوستگی اجتماعی	۵۰	۲,۳۲۱۴		
امنیت اجتماعی	۵۰		۳,۳۴۲۱	۳,۳۴۲۱
کیفیت زندگی	۵۰		۳,۷۸۰۶	۳,۷۸۰۶
SIG سطح معناداری		۰,۰۰۱	۰,۴۱۱۳	۰,۱۳۲

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

جدول ۴: میزان تفاوت‌ها میان ابعاد سه گانه بر نقش مشارکت از دیدگاه متخصصان و مسئولان

Subset for alpha =0.05				ذینفعان
عوامل	تعداد	گروه همگن اول	گروه همگن دوم	گروه همگن سوم
پیوستگی اجتماعی	۵۰	۲,۶۷۴۵		
امنیت اجتماعی	۵۰	۳,۴۱۴۵	۳,۴۱۴۵	
کیفیت زندگی	۵۰		۳,۶۷۳۵	۳,۶۷۳۵
SIG سطح معناداری		۰,۱۶۲	۰,۶۳۴	۰,۰۰۰

منبع: (یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در صورت توجه کافی به نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع‌محور محله قابل تصور است، چراکه مشارکت عمومی در محله

موجبات ایجاد رفاه اجتماعی، حفظ امنیت افراد، دسترسی به فضاهای آموزشی، همکاری با نهادها و سازمان‌ها و مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه محله، شرکت در کارهای گروهی، کنترل ترافیک، در محله‌هایی با بافت فرسوده فراهم خواهد ساخت و یگانه راه نجات این محلات از مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی است.

مرور پیشینه نگاه‌ها، مبین آن است که محققان در باره نقش مشارکت در توسعه پایداری اجتماع محور، نظرات مختلفی دارند و این عوامل را به دسته‌های مختلفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. یافته‌های تحلیل بنیانی در این مطالعه نشان می‌دهد از دیدگاه ساکنان به عنوان افرادی که با محله آشنا هستند. می‌توان عوامل نقش مشارکت را در سه دسته بیان نمود که عبارت‌اند از: پیوستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی و به‌طور کلی کیفیت زندگی؛ بر مبنای یافته‌های این پژوهش، از نظر ساکنان یکی از عوامل مهم در نقش مشارکت کیفیت زندگی است، یافته‌های دیگر محققان نیز مؤید این بخش از یافته‌هاست. به‌گونه‌ای که یافته‌های چاوویس (۱۹۸۶)، نصیری (۱۳۸۷)، سیامکی (۱۳۸۹)، میلر (۲۰۰۴)، همخوانی دارد. در واقع می‌توان گفت کیفیت زندگی و زیرشاخه‌های آن بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع محور محله تأثیرگذار است.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع محور، امنیت اجتماعی بیان شده است. غفاری و امیدی (۱۳۸۸)، بیگلری (۱۳۸۹)، سیامکی (۱۳۸۹)، عبدالمیمن ثابت (۱۳۸۵)، سالک (۱۳۸۶)، در مطالعات خود یادآور شده‌اند که عوامل تهدیدکننده امنیت و ایمنی محله، رفت‌وآمد افراد شرور و بزهکار، دزدی و سرقت مسلحانه، عدم امنیت پیاده در معابر و نظایر آن موانع مشارکت در توسعه پایدار اجتماع محور محله است.

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل توسعه پایدار اجتماع محور محله که مورد تأکید است، پیوستگی اجتماعی می‌باشد. توسلی (۱۳۸۲)، نصیری (۱۳۸۷)، موسوی (۱۳۸۵)، مهندسین مشاور شارمند (۱۳۷۸)، مروتی (۱۳۹۰)، به این نتایج دست یافتند که، مشارکت از زیرمجموعه‌های پیوستگی است که خود به سطوح گوناگون تقسیم می‌شود شامل: خودانگیزگی، مشارکت تأملی، عملکردی، انگیزه‌های مالی، انفعالی، خدعه آمیز و صوری و... که هرکدام به تنهایی در توسعه پایدار اجتماع محور محله تأثیرگذار است. در این زمینه توجه جدی به نیازهای مادی، معنوی و کرامت انسانی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌شود. لذا نقش مشارکت در محله، مدیریت مردم محور، تکوین و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و ترغیب آن‌ها در جهت پایداری از اهداف اصلی می‌باشد. به‌طورکلی می‌توان گفت نقش مشارکت کلید توسعه پایدار اجتماع محور محله، بدون همکاری و مشارکت مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد. همچنین آزمون آنالیز و واریانس برای تعیین تفاوت سطح معناداری بین ابعاد سه گانه نقش مشارکت در توسعه پایدار اجتماع محور محله، از دیدگاه دو گروه مسئولان و ذی‌نفعان انجام گردید؛ و نتایج نشان داد که عامل کیفیت زندگی با میانگین بالاتر، یکی از موانع مهم و مؤثرتری بر نقش مشارکت در توسعه پایداری اجتماع محور می‌باشد. در نهایت یافته‌های مصاحبه، عوامل بسیاری را به عنوان موانع نقش مشارکت بیان کرده‌اند که در این پژوهش به برخی از آن‌ها اشاره شده است. همچنین برای پررنگ‌تر شدن نقش مشارکت در توسعه پایداری اجتماع محور محله پیشنهادهای راهبردی زیر ارائه می‌گردند:

۱- تکوین و تقویت مجموعه‌ای از گروه‌های اجتماعی محلی:

در این راهبرد که هم می‌تواند به وسیله نهادهای خودجوش مردمی و هم توسط مدیران شهری در سطوح مختلف محلی و منطقه‌ای به اجرا درآید، شکل‌گیری گروه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی به مانند شمشیر دو لبه‌ای در نظر گرفته شده است که اگر در مسیر درست هدایت نشود، باعث ایجاد مسائل متعدد می‌گردد، لذا هدف بیشتر تعدیل و ملایم کردن تعلق بیش از اندازه نسبت به ما درون‌گروهی ساکنان است. در این راستا که هویت و ما جمعی محله به خطر نیفتد، گروه‌های قومی محله اوین به مرحله‌ای از تعلق و تعصب قومی رسیده‌اند که همه‌چیز را در جهت منافع گروهی خود در نظر می‌گیرند، به‌گونه‌ای که در مصاحبه با تعدادی از ساکنین، تنوع قومی را عامل از بین رفتن همبستگی ساکنان می‌دانستند. بومیان، مهاجران را عامل اصلی از بین رفتن همبستگی

و در مقابل مهاجران، تعصب زیاد بومیان را علت این امر می‌دانند؛ بنابراین تشکیل سرمایه‌های اجتماعی گروهی که معیار هویت و علت وجودی آن‌ها چیزی به غیر از معیار تشکیل گروه‌های قومی باشد و به شکلی مورد توجه قرار گیرد که از نظر ارزشی در سطح مقابله با گروه قومی برآید و بر اساس یک معیار مشترک دیگر همچون سن، جنس، همسایگی، سواد، مذهب، ورزش و بسیاری از موارد دیگر شکل گرفته باشد. لازمه این امر آن است که گروه‌هایی که شکل گرفته‌اند نباید در طول گروه‌های قبلی و بالاتر از آن‌ها باشند، بلکه از اشتراک و ادغام دیگر گروه‌ها حاصل شده باشند، بنابراین محله به عنوان مجموعه‌ای از گروه‌ها و سرمایه‌های اجتماعی و طبقات اجتماعی مختلف در نظر گرفته می‌شود که هر فرد در آن تنها در یک مجموعه خاص جای نمی‌گیرد، بلکه فرد در یک زمان واحد می‌تواند عضو چندین گروه محلی یا طبقه اجتماعی مختلف باشد. این امر بنیان‌گذار روابط درونی پیچیده‌ای بین اعضا و افراد محلی می‌شود که در آن هر طبقه‌ای از گروه‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان یک ابزار پشتیبانی و کنترل‌کننده دیگر طبقات و گروه‌ها مطرح شود؛ بنابراین ارتباط بسیار پیچیده و مستتری بین این گروه‌ها و طبقات اجتماعی حکم‌فرماست که ممکن است نتوان با معیارها و شاخص‌های کمی اندازه‌گیری کرد. در آخر از مهم‌ترین مسائلی که در این راهبرد مطرح است، معیار شکل‌گیری و تداوم انگیزه ماندگاری گروه است، چرا که اگر انگیزه و اهداف لازم نباشد، ممکن است باعث فروپاشی گروه محلی و بالطبع یک سرمایه اجتماعی محلی شود.

۲- ایجاد ارتباط قوی و شکل‌گیری شبکه‌ای از روابط درون و برون گروهی:

در این راهبرد ابتدا گروه‌هایی که ماهیت وجودی‌شان بر اساس خصوصیات هم نوع شکل‌گرفته مشخص کرده و بعد شیوه‌ها و زمینه‌هایی که می‌تواند این گروه‌ها را به هم نزدیک کند شناسایی و اقدامات اجرایی مبتنی با آن در نظر گرفته می‌شود. بر همین اساس در محلات فوق‌الذکر، گروه‌های مذهبی با محوریت قومیت‌ها در چند مسجد و حسینیه وجود دارد که موجودیت این گروه‌های مردمی برای بیش از ۸۰ درصد ساکنان محله شناخته‌شده است و بیش‌تر در هنگام مراسم مذهبی موجودیت آن‌ها قابل تشخیص است. حال اگر در هر کدام از این گروه‌های مذهبی- قومی، هیئت امناء و یا هیئت مدیره‌ای که برای همه اعضای گروه مشروعیت داشته، تشکیل شود، مجموعه محله متشکل از چندین گروه قومی- مذهبی شده که می‌توانند برای کلیه مسائل مربوط به گروه‌ها و یا هر مسئله‌ای که در ارتباط با محله باشد، اظهار نظر کنند. این امر می‌تواند به صورت خود جوش و محلی و یا از طریق نهادهای رسمی و غیررسمی و یا شهرداری محله صورت گیرد. در ضمن باید توجه داشت که لازمه همه این‌ها احترام متقابل و پذیرفتن مشروعیت محلی برای ساکنان از طریق خود آن‌ها می‌باشد. در مرتبه بعد لازمه این امر این است که حقوق انسانی و احترام به سکنه به عنوان ساکنان محله از نگاه بومیان پذیرفته شود. هرچند که تشکیل و ایجاد ارتباط قوی بین این گروه‌ها خود می‌تواند هدف انگاشته شود، چرا که موجودیت و فعلیت آن‌ها خود می‌تواند عاملی مهم در پیوندهای محلی به حساب آید.

۳- تقویت روابط درون و برون گروهی با محوریت یک نهاد مردمی:

راهبرد سوم که راهبرد پیشنهادی نیز می‌باشد، از تداخل راهبردهای قبلی بعلاوه مدیریت کارآمد شهری، برخاسته از خود مردم شکل می‌گیرد. در موارد قبلی ارتباط بین گروه‌ها و طبقات اجتماعی محلی ممکن است به صورت خود جوش و یا برخاسته از اقدامات مدیران در سطوح محلی و منطقه‌ای باشد، در حالی که در اینجا محور روابط بر یک مدیریت کارآمد محلی که از نظر حقوقی مشروعیت کلیه ساکنین محل را دارد، صورت می‌گیرد. شورایاری به عنوان نهادی مردمی و مدنی، تشکیل دهنده یک «ما» گروهی است که تک تک اعضای آن را ذینفعان اصلی محله یا ساکنین آن می‌باشند. نهادی که اهداف شکل‌گیری آن ایجاد همبستگی و وفاق محلی، تقویت احساس تعلق ساکنان و پل ارتباطی بین مردم و مدیران شهری است؛ بنابراین شورایاری خود نفس عمل و هدف مبنی بر مشارکت و همکاری مردم و شکل‌گیری مدیریت از پایین به بالا است. در اینجا شورایاری می‌تواند به

مانند اهرمی مهم برای تکوین و شکل‌گیری گروه‌ها، تعامل و ارتباط آن‌ها و ایجاد وفاق محله‌ای باشد، به عبارتی دیگر شورایاری خمیرمایه بین اعضا و نهادهای محلی است؛ بنابراین شورایاری نقش یک ابزار کنترلی و نظارتی و ایجاد تعادل بین گروه‌ها را بازی می‌کند و زمانی که ارتباط نهادهای گروهی محل به مرحله‌ای می‌رسد که اهداف و منافع گروهی در حال اولویت دادن از طرف ساکنان به مای برون گروهی یا محله‌ای است، شورایاری از طریق یک سری برنامه‌ها و راهبرد به ایجاد تعادل گروهی محلی می‌پردازد.

منابع

- اسمعیل پور (۱۳۹۰)، رابطه ساختار محله بندی بافت قدیم شهر یزد و مشارکت اهالی برای تأمین خدمات شهری (مطالعه موردی، محله دولت‌آباد)، نشریه شهر و معماری بومی شماره ۱۹.
- احد نژاد، محسن، روستایی (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی مداخله و نوسازی بافت قدیمی و فرسوده (مطالعه موردی، محله فیض‌آباد)، فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی سال ۱۲ شماره ۳۷.
- ابراهیم‌زاده، عیسی، ملکی تودار، گل آفرین (۱۳۹۱)، تحلیلی بر ساماندهی و مداخله در بافت فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر خرم‌آباد) پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۸۱.
- ابراهیمی، محسن و هادی خلیلی نژاد و محمود رضا شناسنده (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی مدیریت پیشگیری و مقابله با زلزله در شهر تهران، مجموعه مقالات اولین همایش مقابله با سوانح طبیعی، قطب علمی و مهندسی نقشه‌برداری پردیس فنی دانشگاه تهران.
- اسدیان، فریده، سیامی، زهرا (۱۳۹۰)، نقش الگوی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (مطالعه موردی: محله عامری اهواز)، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط شماره ۱۲.
- تقی زاده، کتابون، سلطان پناه، احسان (۱۳۹۰)، ارزیابی علل عدم استفاده از فناوری‌های نوین ساختمانی در نوسازی بافت‌های فرسوده شهر تهران، مدیریت شهری شماره ۲۸.
- حسینی امینی، حسن (۱۳۹۰)، اصول پدافند غیرعامل، نشریه سیمای خوارزمی، دانشگاه خوارزمی، شماره ۱۹۹.
- سجادی، ژیلا، محمودی، کاوه (۱۳۹۰)، تحلیل اجتماعی - فضایی در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی بافت مرکزی شهر سردشت)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری سال دوم، شماره ۲.
- ضراب، المیرا (۱۳۸۸)، رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری، آرمان‌شهر، شماره ۲.
- عبداللهی، مجید (۱۳۸۵)، مقدمه کتاب مدیریت بحران در نواحی شهری، چاپ سوم، تهران سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- فرزاد، بهتاش، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۱)، تبیین ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری شهرهای اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهرها ایران اسلامی، شماره ۹، صص ۱۱۳-۱۲۱.
- مروتی، نادر (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت فرسوده و نوسازی (مطالعه موردی: محله امام‌زاده عبدالله تهران)، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی شماره ۱۰.
- مهندسین مشاور (۱۳۷۸)، شیوه تحقق طرح‌های توسعه شهری، جلد دوم، بررسی تجارب تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری در ایران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری، وزارت کشور، تهران، نشر آینده.
- موسوی، سیروس (۱۳۸۵)، فرسودگی شهری زمینه‌های پیدایش و راهکارهای رویارویی با آن، ماهنامه شوراها، شماره ۴۰.
- Adger, W.N. (2000). Social and ecological resilience: Are they related? *Progress Human Geography*, vol. 24, no.3, 347-364.
- Cutter, S.L. et al. 2008. Community and Regional Resilience: Perspectives from Hazards, Disasters, and Emergency Management, CARRI Research Report 1 Edith, G.C., Colton, J. 2008. Building sustainable & resilient communities: a balancing of community capital, *Environ Dev Sustain* 10:931-942.
- Clark, T. N (1986), Urban policy analysis: directions for future research, *Annual review of sociology*, Vol. 11, 437-455. Sage Publications, Incorporated
- Federica Battista and Stephan Baas (2004). The Role of Local Institutions in Reducing vulnerability to recurrent natural disasters and in sustainable livelihoods development, consolidated report in on case studies and workshop findings and recommendations.
- Miller, D & Salkind, N (2002), *Handbook of Research Design & Social Measurement*, Sage, CA
- Pollitt, C & Bouckaert, G (2004), *Public management reform: A comparative analysis* Oxford university press.